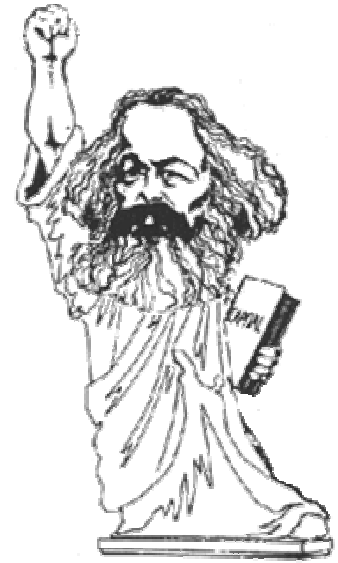


چهارمین کنگره بین المللی مارکس



چهارمین «کنگره بین المللی مارکس» در روزهای ۲۹ سپتامبر تا ۲ اکتبر ۲۰۰۴، در دانشگاه «نانتز» در حومه پاریس، برگزارگردید و با استقبال فراوان علاقه مندان روبرو شد. در این کنگره که به وسیله نشریه «اکتوتل مارکس» (وابسته به دانشگاه پاریس ۱۰- نانتز) و با همکاری چندین موسسه تحقیقاتی، کانون مطالعات مارکسیستی، فصلنامه و نشریه دیگر برگزار گردیده بود، حدود ۳۰۰ نفر از پژوهشگران، استادان و شخصیت‌های علمی و سیاسی، از بیش از ۲۰ کشور، شرکت داشتند. سمیرامین، اتین بالیبار، ژاک بیده (استاد و پژوهشگر فلسفه سیاسی و رئیس کنگره)، سوزان جرج، دیوید هاروی، اریک هابزبام، ژرژ لایبکا، مایکل لویی، تونی نگری، آندره توزل و آلن تورن، از جمله شرکت کنندگان در این گردهمایی بزرگ بودند. نخستین کنگره بین المللی مارکس نیز، در سال ۱۹۹۵، در همین محل تشکیل شده بود.

موضوع اصلی کنگره چهارم، «**جنگ امپریالیستی، جنگ اجتماعی**» اعلام شده بود. در فراخوان این کنگره آمده بود:

«در این آغاز قرن، درحالی که تصور می شد که پایان رویارویی بلوکهای متضاد وضعیت صلح آمیزی را بوجود آورده است، قدرت نمایی جنگی امپریالیسم و خشونت عامدانه سرمایه داری درکشورهایی از «جنوب» که به صورت طعمه ای درآمد اند، فضای جهان را شدیداً منقلب ساخته است.

درحالی که یک قدرت امپریالیستی رهبری هژمونیک خود را راسا اعلام می دارد، مجموعه قدرتهای «شمال» تحت لوای یک نظام جهانی مبتنی بر کالاسازی و سودجویی گرد می آیند و به عنوان همین نظام، درصدد

نفی و حذف دستاوردهای کارگران و زنان، تضمین های مربوط به حقوق شهروندان، و همه اشکال همبستگی اجتماعی که طی مدت دو قرن انقلابات و مبارزات توده ای ایجاد شده اند، برمی آیند.

آنچه اکنون مطرح و موضوع مجادله است، آینده آن جنبش تاریخی بزرگ برای رهایی انسان است که با انقلاب فرانسه، جنبشهای کارگری و مبارزات خلقهای تحت استعمار، آغاز و تداوم یافته است.

برای شناسایی و درک آن چیزی که درحال رخ دادن است، و برای طراحی یک آینده، به کارگیری همه نیروهای فکری و ذهنی اکنون ضرورت می یابد....

درارتباط با مضمون بالا و یا علاوه بر آن، این کنگره موضوعات و مسائل بسیار متنوعی را دربر می گرفت. این موضوعات، از یک سو، برحسب بخشها و شاخه های «علمی» مانند فلسفه، اقتصاد، حقوق، تاریخ، جامعه شناسی و...، و از سوی دیگر، به صورت «موضوعی» نظیر سوسیالیسم، مناسبات اجتماعی و مسئله جنسیت، محیط زیست و... تقسیم بندی شده بود که، در هر مورد، چند «آتلیه» یا جلسات بحث، همراه با ارائه مقالات و نتایج پژوهشها و پرسش و پاسخ، برگزار می شد. درمجموع، نزدیک به صد آتلیه پیرامون مسائل و موضوعات مذکور، طی این گردهمایی، تشکیل گردید. علاوه بر اینها، و به منظور ارائه یک جمع بندی از برخی مباحث مربوط به مضمون اصلی کنگره، چهار جلسه عمومی نیز زیر عنوان «جنگ امپریالیستی، جنگ اجتماعی»، «امپراتوری / امپریالیسم»، «خشونت سرمایه، تخریب اجتماعی» و «خشونت از بالا، قدرت از پایین»، سازماندهی شده بود.

در بخش مربوط به «مطالعات مارکسیستی»، از جمله، شش آتلیه به بحث و بررسی پیرامون کتاب «سرمایه» اختصاص یافته بود. هدف از برگزاری این جلسات بحث، دستیابی به درکی امروزی از «سرمایه» و بهره گیری از آن در عرصه های تجزیه و تحلیل اوضاع و مبارزات سیاسی جاری، مطرح شده بود. در این جلسات که جامعه شناسان و مورخان نیز درکنار اقتصاددانان و فیلسوفان، از گرایشهای گوناگون هگلی، مکتب فرانکفورتی، گرامشی، آلتوسری و...، حضور داشتند، برداشتها و تفسیرهای مختلف از «سرمایه» به ویژه درباره ارائه درک و شناخت بهتری از دگرگونی های جاری درسطح جهانی، درعصر «نئولیبرالیسم» و یا، متقابلاً، مبارزه برای «جهانی دیگر»، مورد بحث و جدل قرار گرفت.

دربخش «سوسیالیسم» که با هماهنگی تونی آندره آنی و با شرکت پژوهشگران و استادانی از فرانسه، چین، کوبا، آمریکا، برزیل و...، در قالب ۹ آتلیه و یک جلسه

عمومی برگزار شد، هم مباحث نظری و هم برخی تجارب عینی مطرح گردید. چنان که در معرفی مباحث این بخش عنوان شد، هنگامی که «سوسیالیسم» مطرح می شود غالباً سخن از ویرانه های آن به میان می آید، در صورتی که درواقع می توان دست کم، چهار عرصه مختلف را متمایز کرد که به تجارب و بحثهای متفاوت و تازه ای درآن باره دامن زده است:

۱- تجارب متنوع و، درعین حال، همگرایی تلفیق سوسیالیسم با بازار، که در آنها اشکال مالکیت عمومی یا اجتماعی مسلط هستند، که در فاصله میان آغاز دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی، در چین، ویتنام و کوبا به کار گرفته شده، و بهبود وضعیت اقتصادی و یا توسعه سریع اقتصاد این کشورها را موجب شده اند.

۲- در عرصه تئوریک، بررسیها و تحقیقات پیرامون «مدلهای سوسیالیسم»، طی ۳۰ سال گذشته، رشد و رونق قابل ملاحظه ای یافته است که بازهم ادامه دارد.

۳- در واکنش به گسترش و قدرت نمایی سرمایه داران نئولیبرال، مقوله «مالکیت اجتماعی» در سالهای اخیر، از جمله در فرانسه، موضوعیت و اهمیت تازه ای یافته و، بررسی های مربوط بدان، به پیشنهادهای مشخصی هم درمورد بازسازی بخش عمومی، دگرگونی در ساختار دولت، و همچنین کنترل بازارها و جهانی شدن جاری، منجر شده است.

۴- اقتصاد مبتنی بر همبستگی (در زمینه مصرف، درمورد مبادله عادلانه و یا تامین مالی متکی بر همبازی و همبستگی) نیز که در دوره اخیر از پیشرفتهایی محدود ولی موثر برخوردار گردیده و، نهایتاً، برقراری نوعی سوسیالیسم خودگردان و اجتماعی کردن بازارها را دنبال می کند.

در جلسه عمومی روز ۳۰ سپتامبر که به بررسی رابطه و تعارض میان مقولات «امپراتوری» و «امپریالیسم» اختصاص داشت، دیوید هاروی، استاد دانشگاه از آمریکا، تونی نگری، فیلسوف و مبارز سیاسی پرسابقه ایتالیایی، و آندره توزل و ژاک بیده، از فرانسه، دیدگاههای خود را مطرح کردند. هاروی که کتابی نیز با عنوان «امپریالیسم نوین» به رشته تحریر درآورده است، مروری اجمالی برمجموعه تحولات عمده سه دهه گذشته در سرمایه داری جهانی، از مقررات زدایی گرفته تا رشد و رونق بیسابقه بازارهای پولی و مالی، و رابطه میان مراکز اصلی سرمایه داری با جوامع پیرامونی، ارائه و نتیجه گیری کرد که مضمون مشترک و اساسی تحولات عمده این دوره، تلاش طبقات حاکم برای بازیابی و اعاده مالکیت و قدرت شان، که در اثر جنبشها و مبارزات قبلی

گزارش فوروم اروپا

بقیه از صفحه ۱۸

سخنران هفتم:

من السونا هنگنز هستم و اعتقاد دارم که ما باید به برخی از چیزهایی که اینجا گفته میشود اشاره کنیم. ما امروز در این کنفرانس باید چاره اندیشی کنیم که از اینجا که رفتیم چه کنیم. من تنها میدانم که اولین وظیفه ما سازماندهی یک اعتصاب در سطح اروپاست. تا بدینوسیله قدرت خویش را به نئولیبرال ها نشان دهیم و بر علیه خصوصی شدن ها مبارزه کنیم. من میدانم که بسیاری از اتحادیه ها به نحو دموکراتیک کنترل نمی شوند و همیشه تضاد هائی درون آنها وجود دارد. این بسیار مهم است که این اعتصابات توسط کسانی رهبری شود که مدافع منافع واقعی کارگران باشند باید حتما شبکه ای را در اروپا به وجود آوریم و در مقابل تمامی کسانی که می خواهند در این کشور ها کارگران را بزانو در آورده و نابودشان کنند مبارزه نماییم. پس بیایید متحد شویم و متحداً سازماندهی کنیم."

سخنران هشتم:

من یک سوسیالیست قدیمی هستم و اعتقاد دارم سوسیالیسم تنها چیزی است که مدافع کارگران است. ما باید قبول کنیم که کارگران در سطح اروپا مشکلات فراوانی دارند. من از کمیته ای می آیم که در تمامی جهان شبکه ای دارد. در آفریقا در آسیا در آمریکای لاتین و... و آنها اعتصابات بزرگ را تا کنون سازماندهی نموده اند در یونان و ایتالیا توسط ما اعتصابات بزرگی سازماندهی شده است. چه کسی جلوی این اعتصابات و اعتراضات را می گیرد متأسفانه باید بگویم رهبران بزرگ اتحادیه های بزرگ کارگری که با دولت ها همکاری می نمایند. ما بعنوان طرفداران سوسیالیست باید درون اتحادیه ها با هم متحد شویم و در اروپا و در کل جهان بر علیه رهبران اتحادیه های بزرگ که پول های کلان را میگیرند و ساخت و پاخت می کنند مبارزه کنیم. من انگلیسی هستم و اعتقاد دارم که باید در ایتالیا و بقیه کشور های دیگری که اتحادیه دارند همه با هم متحد شویم و بر علیه کسانی که کارگران را کنترل می کنند مبارزه کنیم. ما باید مبارزه گسترده ای را در اروپا سازماندهی نماییم."

در خاتمه شرکت کنندگان تصمیم گرفتند که شبکه ای را ایجاد کنند تا بتوانند مرتباً با یکدیگر در تماس بوده و قرار شد چندین آکسیون بزرگ از سوی کارگران اتحادیه های کشور های اروپائی بر علیه خصوصی سازی و اخراج های جمعی تدارک شود. کمیته ای از نمایندگان اتحادیه های کشور های مختلف در این راستا تشکیل گردید.

شکنجه گاه کمیته مشترک ...

بقیه از صفحه ۹

بازجو از او حداقل ده تک نویسی می خواست. مرتباً هم او را تهدید به شروع دوباره شکنجه می کرد. در پاسخ تنها زمزمه ای به گوش می رسید. آهنگی، سرودی، نمی دانم. تشخیص نمی دادم. ساعت ها بود آنجا در اتاق دو نفری مانده بودیم و تاجبخش هم پشت میزش با یک مشت کاغذ ور می رفت و گهگاه روزنامه ای را که روی میز بود برمی داشت و نگاهی به آن می کرد و دور مطالبی از آن را خط می کشید. غروب بود.

رو به او کرد و با پرخاش پرسید: می نویسی یا نه؟ دختر جوابش را با این جملات داد: اگر فکر می کنی که از من اطلاعاتی می توانی گیر بیاوری کور خوانده ای. من می توانم نه تنها در مورد ده نفر بلکه صد نفر هم تک نویسی کنم اما یک جمله از آن چه که قبلاً به شما ها گفته ام بیشتر نخواهم گفت. اگر هم باور نمی کنی باز هم مرا شکنجه کن.....

او را دوباره به اتاق حسینی فرستاد.

دیگر در بازجویی ها ندیدمش. دور فلکه کنار در یکی از اتاق های بازجویی نشانده بودندش. نمی دانم که بود؟ و چه شد؟

« کمیته مشترک ضد خرابکاری » از اولین مراکزی بود که در بحبوحه روزهای اول انقلاب به تسخیر حکومت گران جدید درآمد. مرکزی که باز در خدمت جنایتکاران به قدرت رسیده محل شکنجه دگراندیشان گردید. چه تاریخ تلخی پشت دیوارهای آن نهفته است! اولین دستگیری های بعد از انقلاب را به آنجا منتقل می کردند. لیست افراد با سابقه فعالیت هایشان و سمپاتی به سازمان های مختلف همراه با عکس آنها تماماً در بایگانی رژیم اسلامی قرار گرفت تا به نوبت به آنها مراجعه شود. دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری که در واقع کار ساواک را انجام می داد تحت نظارت حزب جمهوری اسلامی مسئول تکمیل و اصلاح لیست فعالین سیاسی را بعهده داشت. پیگرد و شکار افراد در ابتدا بر اساس همین لیست ها بود که انجام گرفت و...

امروز این شکنجه گاه به موزه تبدیل شده است. مردم مطمئناً به تماشایش خواهند رفت. یاد عزیزانشان را در جابه جای آن جستجو خواهند کرد و یادشان را گرامی خواهند داشت.

شکنجه گاه هایی که رژیم اسلامی در دوره ۲۵ سال حکومتش برپا کرده است نیز در فردای پیروزی به دست توانای مردم به مثابه نمادی از جنایات جمهوری اسلامی به نمایش عموم گذاشته خواهند شد. به امید آن روز!

(یعنی از دهه ۳۰ تا دهه ۷۰ میلادی) خدشه دار و تضعیف شده بود، در سطح ملی و بین المللی بوده است. تونی نگری، برعکس، بر آن بود که مقوله « امپریالیسم » اکنون دیگر معنی و مفهوم خود را از دست داده و، بنابراین، قادر به توضیح تحولات اخیر در عرصه جهانی نیست. از نظر وی امپریالیسم مربوط به رشد و گسترش جهانی سرمایه داری مبتنی بر « دولت - ملت » بوده که خود این نهاد نیز اکنون رو به زوال است. نگری، به جای امپریالیسم، مقوله « امپراتوری » را عنوان کرده که عبارتست از نوعی حاکمیت جهانی که با ادغام بخشی از نهادهای ملی و فراملی، و فراتر از مرزهای جغرافیایی، مقاصد فرمانروایی خود را دنبال می کند. براین اساس، به اعتقاد وی، مقولات « ملت »، « توده » و « طبقه » نیز اکنون دیگر کهنه شده است و مبارزه جاری علیه « امپراتوری »، توسط « انبوه کثیر » و یا افراد، گروهها و محافل بسیار متکثر و متنوعی که به شکل شبکه ای پیوند می یابند، انجام می گیرد. (جهت اطلاع از معرفی و نقد نظرات تونی نگری که، به همراه میکائیل هارت، کتاب « امپراتوری » را در سال ۲۰۰۰ و اخیراً هم کتاب « جمع کثیر » را منتشر ساخته است، می توان به ترجمه مقاله ای از « مانتی ریویو »، مندرج در « اتحادکار » شماره ۱۰۰، شهریور ۱۳۸۱، مراجعه کرد).

ژاک بیده، در سخنرانی خود در این جلسه، ضمن نقد دیدگاه تونی نگری و با تاکید براین که نه تنها امپریالیسم به پایان نرسیده بلکه، امروزه، به شدیدترین حالت خود رسیده است، گفت آنچه که اکنون « امپراتوری » خوانده می شود، در واقع، برخورد امپریالیسم موجود با یک نهاد یا نظام اجتماعی کلی است که هنوز کاملاً شکل نگرفته است و آن هم « دولت - جهان » است. به نظر بیده، همان طور که سرمایه داری برای رشد و گسترش خود، در سطح ملی، به اقتدار دولتی مرکزی نیازمند بود، سرمایه داری جهانی شده امروز نیز، برای کارکرد خویش، محتاج یک نهاد طبقاتی جهانی یا یک « دولت - جهان » است، لکن این نهاد هنوز در مرحله جنینی و درحال شکل گیری است. طبق این دیدگاه تشنات اخیر امپریالیسم آمریکا و یا جنگی که این « امپراتوری » علیه « جهان » آغاز کرده است نیز می تواند نمودی از تلاشهای آمریکا برای فاتح آمدن بر « دولت - جهان » درحال شدن، و یا تقلائی برای جایگزینی آن، باشد که طبعاً، باتوجه به مسیر تحولات جهانی و همچنین توازن قوای درون امپریالیستی، نمی تواند موفق شود.

شایان ذکر است که بخشی از مقالات و سخنرانی های ارائه شده در این کنگره، در سایت زیرقابل دسترسی است و مجموعه آنها نیز، همانند مطالب کنگره های پیشین، در چند مجلد منتشر خواهد شد.

<http://netx.u-paris10.fr/actuelmarx/index>